

## نقد

# جامعه‌شناسانه

○ حمید عبداللهیان

دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

○ جامعه‌شناسی، علمی انتقادی

○ ارل بیبی

○ محمدحسین پناهی

○ انتشارات باز

○ ۱۳۷۹



### چکیده:

تئوری جدید در حوزه علم جامعه‌شناسی نیست بلکه هدف اصلی او از تدوین کتاب، فراهم آوردن شواهدی است که برتری علم جامعه‌شناسی را برای حل مشکلات جوامع انسانی معاصر نسبت به سایر علوم نشان دهد. مبانی معرفت‌شناسی کار بیبی به تجربه او از جامعه آمریکا و ناکارآمدی علمی که امروزه آمریکا و جهان اول را در سطح دنیا به عنوان قدرت سیاسی - نظامی و تجاری - صنعتی درآورده است، مربوط می‌شود. دو نمونه از مثال‌های او به مساله افزایش جمعیت و افزایش خطر جنگ هسته‌ای اشاره دارد. او بیان می‌کند که علوم بیولوژیک برای این پیشرفت کردند که بشر از بیماری‌های ساده نمیرد و علوم جنگی را برای این رشد دادند تا توانایی برتری هسته‌ای قدرت‌های بزرگ، امکان بروز جنگها را از طریق قدرت بازدارندگی قدرت هسته‌ای کاهش دهد. ولی او به خوبی نتیجه می‌گیرد که از زمان بمب هیروشیما تاکنون جنگهای متعددی صورت گرفته و جمعیت نیز اگر چه از خطر بیماری‌ها نجات یافته ولی پیوسته در حال افزایش بوده است. به طوری که بصورت یک شر برای بشر و محیط زیست درآمده است. بنابراین از نظر بیبی این خطرات کماکان بشر را تهدید می‌کند و علمی که می‌تواند به بشر کمک کند چیزی به جز جامعه‌شناسی نیست. چرا که جامعه‌شناسی کمک می‌کند که بفهمیم «چرا انسان‌ها چنین روابطی با هم برقرار

نویسنده در این کتاب قصد دارد دانشجویان را با نگرش جامعه‌شناسانه به زندگی آشنا کند. او شواهدی را مبنی بر امتیاز علم جامعه‌شناسی برای حل مشکلات جوامع انسانی معاصر ارائه می‌کند. مثلاً در مورد افزایش خطر جنگ هسته‌ای این علم کمک می‌کند که بفهمیم تحت چه شرایطی روابط صلح‌آمیز یا خصمانه میان انسان‌ها برقرار می‌شود.

بیبی قلمرو جامعه‌شناسی را «قواعد زندگی کردن با یکدیگر» قلمداد می‌کند. این قواعد از طریق نهادهای اجتماعی‌کننده در افراد، درونی می‌شود. شکرگرد جامعه‌شناسی این است که با روش علمی به نقد این قواعد می‌پردازد و به همین دلیل آن را علمی انتقادی می‌خوانند.

رایج نگرش به امور به ما این اجازه را می‌دهد تا مثلاً افراد متعصب و تنگ‌نظر را بشناسیم، بینش جامعه‌شناختی به ما این امکان را می‌دهد تا ببینیم که چطور یک سیستم می‌تواند تبعیض ایجاد کند ولو آنکه افرادی که در آن سیستم کار می‌کنند نسبتاً اهل تبعیض نیستند. من امید داشته‌ام تا شیوه تفکر را از طریق کاربرد روحیه جامعه‌شناسانه آموزش دهم.»

اما چرا ما معتقدیم که بیبی رویکرد تازه‌ای را در تفکر جامعه‌شناسانه ارائه کرده است؟ به طور کلی کتاب بیبی را از سه جنبه می‌توان ملاحظه نمود:

۱- جنبه معرفت‌شناسانه

۲- جنبه کاربردی - اخلاقی

۳- جنبه روش‌شناسانه

۱- جنبه معرفت‌شناسانه: به لحاظ معرفت‌شناسی، بیبی در کتاب روحیه جامعه‌شناسی به دنبال تدوین یک

این کتاب<sup>۱</sup> در واقع رویکرد تازه‌ای را، با توجه به مساله‌شناسی نویسنده از تهدیدات هسته‌ای و زیست - محیطی، در جامعه‌شناسی ارائه می‌کند. اما قبل از آنکه به وجوه این رویکرد بپردازیم، خوب است عین نظرات ارل بیبی<sup>۲</sup> را درباره این کتاب بدانیم. او در آخرین مکاتباتی که با نگارنده داشته، می‌گوید:

«هدف اصلی من در این کتاب این بود که دانشجویان را با شیوه جامعه‌شناسانه نگرش به زندگی آشنا و هدایت کنم. ما در ایالات متحده آمریکا (و فکر می‌کنم همچنین در کانادا) از یک شیوه فردی شده یا یک شیوه روانشناسانه برای نگرش به زندگی استفاده می‌کنیم - یعنی سعی می‌کنیم تا هر چیزی را بر حسب انگیزش‌ها و اعمال افراد بفهمیم. جامعه‌شناسان در عوض به واحد اجتماعی، اعم از اینکه این واحد اجتماعی یک گروه باشد یا کل جامعه، توجه می‌کنند. در حالی که شیوه

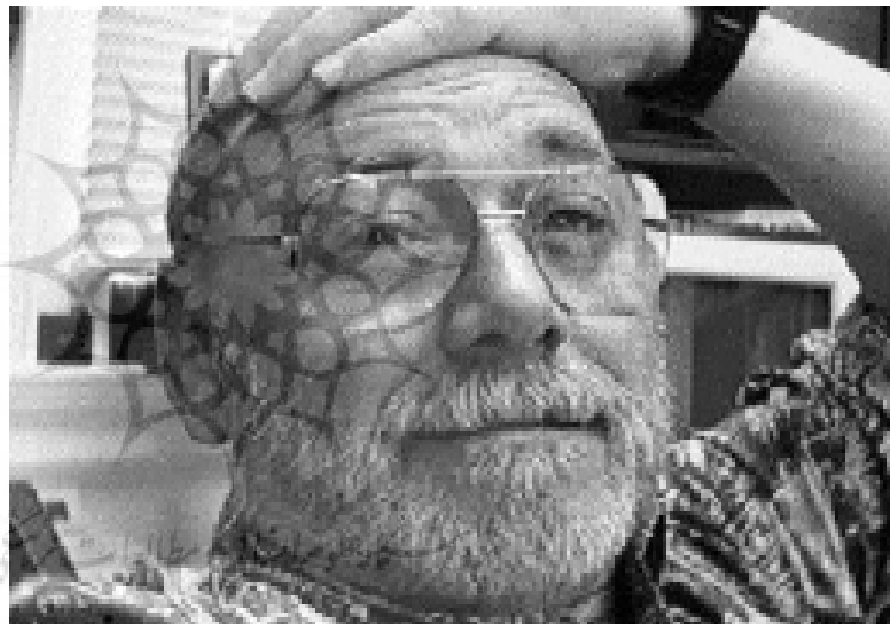
می‌سازند که گاهی صلح‌آمیز و گاهی خصمانه است.» (ص ۲۱ و ۲۲) دیگر آنکه جامعه‌شناسی کمک می‌کند تا بفهمیم چرا بشر علیرغم مشکلات ناشی از افزایش جمعیت کماکان قادر به کاهش جمعیت و کنترل آن در سطح عام نیست. بنابراین زیربنای معرفت‌شناسانه جامعه‌شناسی بی‌تجربه او در جامعه آمریکا است و نگاه نقادانه‌ای است که او به پیشرفت‌های بشر داشته است. از این جهت بی‌بی به تدوین یک نظریه نپرداخته و در جهت تدوین چنین چارچوبی هم برنیاورده چرا که بعداً

پیشنهاد را ارائه می‌کند. یکی آنکه از نظر اخلاقی باید برای مشکلات جهان معاصر چاره‌ای جست و دوم آنکه علم جامعه‌شناسی توانایی کشف روابط بین مشکلات و نهادهای انسانی را داراست. به طوری که می‌تواند علت‌ها را بشناسد و بشر را هدایت کند تا پیشنهادها را بکار گرفته و مشکلات را حل کند.

۳- جنبه روش‌شناسانه: به نظر من این جنبه اهمیت بیشتری دارد. چرا که اصولاً بی‌بی یک روش‌شناس است و کتاب ارزشمند او در روش‌شناسی امروزه در

**بینش جامعه‌شناختی به ما این امکان را می‌دهد تا ببینیم چطور یک سیستم می‌تواند تبعیض ایجاد کند ولو آنکه افرادی که در آن سیستم کار می‌کنند، اهل تبعیض نباشند**

**چالش‌های اخلاقی که در نتیجه مشکلاتی نظیر جنگ و گرسنگی در زندگی انسان امروز پیدا شده دیگر با روش‌های علمی غیر جامعه‌شناسانه چاره‌پذیر نیست**



**بی‌بی به جامعه‌شناسی، جنبه کاربردی می‌بخشد و هویت انسان‌ها را با توجه به پایگاه‌هایی که در جامعه اشغال کرده‌اند تعریف می‌کند**

توضیح می‌دهیم که او جامعه‌شناسی علمی - کاربردی را مد نظر دارد و نه جامعه‌شناسی نظری را.

۲- جنبه اخلاقی - کاربردی: بی‌بی در فصل دوم کتاب «روحیه جامعه‌شناسی» نشان می‌دهد که از نظر او مشکلاتی در سطح جهان وجود دارد از جمله مرگ ۳۵۰۰۰ نفر در روز (به علت گرسنگی) و نیز خطر جنگ هسته‌ای که باید حساسیت ما را برانگیزد ولی او می‌گوید چنین حساسیتی فعلاً موجود نیست. بنابراین بی‌بی پیشنهاد می‌کند که «جامعه‌شناسی علمی است که زمانش فرا رسیده است.» چرا که چالش‌های اخلاقی که در نتیجه مشکلاتی نظیر جنگ و گرسنگی در زندگی انسان امروز پیدا شده دیگر با روش‌های علمی غیر جامعه‌شناسانه چاره‌پذیر نیست. از این دیدگاه باید کتاب جامعه‌شناسی بی‌بی را دستورالعمل و راهنمایی قلمداد کنیم که دو

دانشگاه‌های معتبر دنیا منجمله در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران تدریس می‌شود. بنابراین جای تعجب نخواهد بود اگر ببینیم که بی‌بی تکنیک جالبی را برای تدوین و انشای کتاب «روحیه جامعه‌شناسی» به کار برده است. او قلمرو جامعه‌شناسی را مطالعه «قواعد زندگی کردن با یکدیگر» قلمداد می‌کند و اینکه چگونه این قواعد سازمان و تداوم می‌یابند. (۲۲ و ۲۳). بعداً خواهیم گفت که از همین تعریف استفاده می‌کند تا نشان دهد که مشکل بشر در نهادهایی است که قواعد زندگی معاصر را شکل داده‌اند و قواعد زمانی تداوم می‌یابند که از طریق نهادهای اجتماعی کننده در افراد، درونی شوند. بنابراین اشکال در اینجاست که برخی قواعد از طریق نهادها تداوم یافته‌اند. اما شگرد جامعه‌شناسی این است که بر مبنای پژوهش و نظریه‌پردازی به نقد این قواعد و

روابط بپردازد و به همین دلیل است که جامعه‌شناسی را علمی انتقادی می‌خواند (ص ۲۹) و معتقد است انتقادی بودن آن به این است که آنچه را می‌شنویم با واقعیت تطابق دهیم. (ص ۳۱)

نویسنده گذشته از برخی تعاریف استاندارد که برای گروه و سازمان ارائه می‌دهد سرانجام به مساله نهادها می‌پردازد و معتقد است که نهادها فراتر از سازمان‌هایند و تغییرات نهادی تغییرات سازمانی را نیز بوجود می‌آورند. اما نهادها درگیر در مفاهیم ارزشها و فرهنگ هستند و قالب‌ریزی هنجارها را فراهم می‌آورند. از نظر او ارزشها هنجارها را توجیه می‌کنند و باورها ارزشها را توجیه می‌کنند و بدین سبب نهادها مجموعه‌ای از هنجارها، باورها و ارزشهایی را که بر برخی حوزه‌های زندگی حاکمند دربر می‌گیرند. اگر رویکرد اخلاقی بی‌بی و جامعه‌شناسی کاربردی او را با مفهوم تغییرات اجتماعی او ممزوج کنیم چنین نتیجه می‌گیریم که جامعه‌شناسی کاربردی می‌تواند راه حل مشکلات جهان معاصر را از طریق تغییرات نهادی فراهم آورد. اما جالب آنکه بی‌بی سرانجام نتیجه می‌گیرد که تغییرات نهادی امکان‌پذیر نیست مگر آنکه یک فرد سرانجام خلاف جریان نهادهای حاکم عمل کند. او به مثال زن سیاهپوستی اشاره می‌کند که در سال‌های ۱۹۶۰ میلادی در آمریکا علیه تبعیض نژادی اقدام کرد و سرانجام تغییرات نهادی در جامعه آمریکا در جهت برچیدن نظام نهادینه تبعیض نژادی اتفاق افتاد. روزا پارکس زن سیاهپوستی بود که به خاطر بلند نشدن از جایش در یک اتوبوس تا یک سفیدپوست روی صندلی او بنشیند به زندان افتاد و همین اقدام سبب شد سیاهپوستان به رهبری مارتین لوتر کینگ سوار شدن به اتوبوس‌ها را تحریم کردند و سرانجام دادگاه فدرال اعلام کرد که تبعیض نژادی در معابر عمومی ممنوع است.

گذشته از آنچه پیش از این اشاره شد باید اضافه کنیم که کتاب «روحیه جامعه‌شناسی» بی‌بی از بسیاری جهات شبیه به کتاب جامعه‌شناسی گیدنز است که در همان زمان (۱۹۸۹) نوشته شده است. از این جهت نگرانی دو نویسنده را از تخصصات بین آمریکا و شوروی سابق برملا می‌کند. در عین حال امتیاز کار بی‌بی این است که اولاً کتاب خود را خلاصه نوشته و ثانیاً به جامعه‌شناسی جنبه کاربردی بخشیده است. امتیاز دیگر کتاب بی‌بی این است که مفاهیمی نظیر «من کیستم» و «تو کیستی» یعنی هویت انسان را با توجه به پایگاه‌هایی که در جامعه اشغال کرده‌ایم و نقش‌هایی که به عهده داریم تعریف می‌کند. او با استفاده از سه پارادایم تضاد، کنش متقابل نمادین و پارادایم نظام اجتماعی مفهوم هویت اجتماعی را به بحث می‌گذارد که در نوع خود تمرین خوبی است برای تلفیق نظریه و روش در جامعه‌شناسی.

**پاورقی :**

- ۱) The Socio logical Spirit: Critical Essays in a Critical Science
- ۲) Earl Babbie